

«امریکا به ما خیانت کرد، قیمت زندگی را بالا برد، اما حالا که رفته پیسه (پول) در جیب کسی نیست، ما مزه حلوابی را چشیدیم که مال ما نبود، الان با نان خالی خودمان سیر نمی شویم، مردمی که فکرمی کنند در طبقه متوسط زندگی می کنند اسلحه دست نمی گیرند.» مدیر کافه اینها را به خبرنگار غریبه می گوید، انگار دارد رمز عبور کشورش را لو می دهد. راست می گوید، کشوری که بیشتر از هر کشور دیگر در دنیا بازیگر نقش آفرین داشت حالا با مردمی مواجه است که نه به آینده امید دارند، نه از گذشته چیزی برایشان مانده است. اینقدر دزدی و غارت در دوران اشرف غنی اپیدمی بود که مردمی که حتی به طالبان فحش می دهند هم حاضر نیستند دوران گذشته را تأیید کنند. بله، ژنرال های قدیمی افغانستان تشنه آب گرم شسته اند و این غم انگیزترین جمله ای بود که ما در این سفر کوتاه به مخوف ترین نقطه جهان شنیدیم. امریکا و دولت متبوعش از مردم جنگجویانی بی سلاح ساخته اند که هیچ چیز جز گذشته تلخ و غیر قابل اتکا، حال مبهم و غیر قابل باور و آینده ای نامعلوم و غیر قابل پیش بینی ندارند و بزودی همه خواهند فهمید که آخرین امید بعضی از مردم یعنی مقاومت دره پنجشیر، بیش از اینکه وسط میدان بجنگند در اینستاگرام و فیس بوک مقاومت کرده اند و حالا تمام سرمایه های اعتماد مردم از بیرون مرزها دستور حمله صادر می کنند. برای همین است که از ولایت ها خبر می رسد همه دارند می روند و اسلحه های خود را تحویل می دهند و از عفو عمومی استفاده می کنند. مردم افغانستان انگار روی یک پل ایستاده اند که نمی دانند متعلق به مبدأ هستند یا مقصد، مردم حتی نمی دانند که سرنوشت درست شان کدام طرف زندگی می کند، مردم افغانستان فقط یک چیزی می دانند؛ اینکه از جنگ خسته شده اند. برای همین روی خیلی از دیوارها نوشته برای خدا جنگ بس است.

می روند، چیزی که ما خودمان به چشم ندیدیم، اما مردم می گویند که مقاومت قرار است برای زمستان سخت و استخوان شکن پنجشیر صبر کند. شاید تا آن روز صلاح رسید، فرماندهان دیگر اضافه شدند یا هراتفاق دیگری که ورق را برگرداند. فقط از پنجشیر و چند روستایی که در این دره افسانه ای جا خوش کرده اند این جمله های کوتاه حیاتی به نظر می رسند که مردم زیادی فرار کرده اند، صدای گلوله شنیده نمی شود، طالبان روی جاده و روستاها مسلط است، حتی شب ها با خیال آسوده چراغ روشن می کنند، مردم کم کم در حال بازگشت هستند، حتی در کوه های نزدیک جاده هم اثری از کمین، قناسه چی یا تیرانداز مقاومت نیست، طالبانی ها با یک نظم شک برانگیزی به مردم احترام می گذارند تا حدی که برای خریدها و خدمات کوچک خود هم پول می دهند، مردم خسته، نگران و ترسیده اند و بعضی ها که تهاجمی تر هستند از ابراز اینکه اگر روزی مقاومت شکل بگیرد به آن می پیوندند هیچ ابایی ندارند و از همه مهمتر اینکه اثری از احمد مسعود نیست و این شایعات را در خصوص اینکه به ایران آمده تقویت می کند.

پی نوشت:
۱- وشلیک
۲- ون

هشتمین سالگرد
سراسر